

Examining the jurisprudential and legal status of the Waqf institution in the development of the resistance economy

Hasan amiri*

Marzyeh changani**

Abstract

Waqf is an important matter that exists in various religions, including Islam. Of course, Waqf existed in Iranian culture before Islam. After Islam, based on the recommendations of the Holy Prophet and the pure Imams (PBUH), Waqf received more attention than ever before. Accordingly, the institution of Waqf has always been considered in Islamic economics and can certainly be considered in resistance economics as well. Based on this, the main question of this research is: What is the position of Waqf in the development of resistance economy? What is clear is that resistance economics can have a direct relationship with Waqf. The findings of this research, which was conducted through field study and analysis, indicate that Waqf institution can be effective in economic development, eliminating poverty, ensuring social justice, eliminating the effects of overcrowding, compensating for the lack of government services, commercializing knowledge and technology, and increasing the level of employment in society. Also, considering the 24 principles of the resistance economy that were proposed by the Supreme Leader of the Revolution in 2010 and his main emphasis on popularizing the economy; The Waqf institution, as a popular institution, will play an important role in achieving the goals and principles of the resistance economy.

Keywords: Waqf, Economic development, Jurisprudence and law, Resistance economy.

*. Master of Economic Law
amirinev@yahoo.com

** Endowment researcher
m.ch1370@gmail.com



دراسة المكانة الفقهية والقانونية لمؤسسة الوقف في تنمية الاقتصاد المقاوم

حسن اميرى*
مرضيه چنگانى**

الخلاصة

الوقف من الأمور المهمة الموجودة في مختلف الأديان ومنها الإسلام وبالطبع كان الوقف موجوداً في الثقافة الإيرانية قبل الإسلام. بعد الإسلام و بناءً على توصيات الرسول الاكرم (صلى الله عليه وآله وسلم) والأئمة الطاهرين (عليهم السلام)، فقد حظي الوقف باهتمام أكبر من أي وقت مضى. على هذا الاساس فإن مؤسسة الوقف كانت دائماً موضع اعتبار في الاقتصاد الإسلامي، ويمكن بالتأكيد أخذها في الاعتبار في الاقتصاد المقاوم أيضاً. وبناء على ذلك فإن السؤال الرئيسي لهذا البحث هو: ما هو موقع الوقف في تنمية الاقتصاد المقاوم؟ ومن الواضح بأن الاقتصاد المقاوم يمكن أن يكون له علاقة مباشرة بالوقف. تشير نتائج هذا البحث الذي أجري باستخدام أسلوب الدراسة الميدانية والتحليل إلى أن مؤسسة الوقف يمكن أن تساهم في التنمية الاقتصادية، والقضاء على الفقر، و نشر العدالة الاجتماعية، والقضاء على آثار الازدحام، وتعويض نقص الخدمات الحكومية، و نشر المعرفة والتكنولوجيا، و تؤثر على زيادة مستوى ايجاد فرص العمل في البلاد والمجتمع. أيضاً مع الأخذ بنظر الاعتبار المبادئ الـ ٢٤ للاقتصاد المقاوم التي اقترحها المرشد الأعلى للثورة في عام ٢٥١٥؛ التي تركز على ترويج الاقتصاد، حيث تلعب مؤسسة الوقف، باعتبارها مؤسسة شعبية، دوراً مهماً في تحقيق أهداف ومبادئ الاقتصاد المقاوم.

الكلمات المفتاحية: الوقف، التنمية الاقتصادية، الفقه والقانون، الاقتصاد المقاوم

*. ماجستير في الفقه والقانون الاقتصادي

amirinev@yahoo.com

** باحث في مجال الوقف

m.ch1370@gmail.com

بررسی جایگاه فقهی حقوقی نهاد وقف در توسعه اقتصاد مقاومتی



مقاله پژوهشی

حسن امیری*
مرضیه چنگانی**

۴۷

بررسی جایگاه فقهی حقوقی نهاد وقف در توسعه اقتصاد مقاومتی

چکیده

وقف از امور مهمی است که در ادیان مختلف از جمله اسلام وجود دارد البته پیش از اسلام نیز در ایران وقف در فرهنگ ایرانیان وجود داشته است. پس از اسلام بنا بر توصیه‌هایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در این خصوص داشتند وقف بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس نهاد وقف در اقتصاد اسلامی همیشه مورد توجه بوده است و قطعاً می‌تواند در اقتصاد مقاومتی نیز مورد توجه قرار گیرد. بر این مبنا سؤال اصلی این پژوهش این‌گونه مطرح شده است که جایگاه وقف در توسعه اقتصاد مقاومتی چیست؟ آنچه مشخص است اقتصاد مقاومتی با وقف می‌تواند رابطه مستقیمی داشته باشند. یافته‌ها این پژوهش که به روش مطالعه میدانی و تحلیل انجام شده است حاکی از این است که نهاد وقف می‌تواند در توسعه اقتصادی، حذف فقر، تأمین عدالت اجتماعی، دفع آثار ازدحامی، جبران کمبود خدمات دولتی، تجاری‌سازی دانش و فن‌آوری، افزایش سطح اشتغال در جامعه تأثیرگذار باشد. همچنین باتوجه به اصول ۲۴ گانه اقتصاد مقاومتی که توسط رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۸۹ مطرح شد؛ و تأکید اصلی ایشان بر مردمی‌کردن اقتصاد است، نهاد وقف به‌عنوان یک نهاد مردمی نقشی مهم در رسیدن به اهداف و اصول اقتصاد مقاومتی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: وقف، توسعه اقتصادی، فقه و حقوق، اقتصاد مقاومتی.

*. کارشناس ارشد فقه و حقوق اقتصادی
amirinev@yahoo.com
**. پژوهشگر وقف
m.ch1370@gmail.com



مقدمه

وقف علاوه بر تأثیرات خوب، پایدار و عملی آنچه به‌عنوان بقایای صالحین شناخته می‌شود، در حقیقت تداوم ثروت و تخصیص آن به خدمات به مردم، نیازمندان و محرومان است. وقف با اقتصاد مقاومتی می‌تواند ارتباط داشته باشد چه اینکه در هر دو اشتغال و پول مورد تأکید هستند. اقتصاددانان قدرت اقتصاد مقاومتی را که در تقابل با اقتصاد وابسته باشد تعریف می‌کنند. اقتصاد مقاومتی به معنای شناسایی مناطق تحت فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و خنثی‌سازی آن‌ها و تلاش ایده‌آل برای تبدیل این فشارها به فرصت است. اقتصاد مقاومتی با هدف کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر مزایای تولید ملی و تلاش برای خودکفایی است. برخی نیز عنوان کرده‌اند که اقتصاد مقاومتی طراحی و الگویی ویژه از شرایط اقتصادی و سازوکارهای مبتنی بر جو اقتصادی کشور است. در حقیقت، اقتصاد مقاومتی مبانی نظری و عملی برای مدل‌سازی نوع خاصی از اقتصاد است که به طور فزاینده‌ای برای مواجهه با تحریم‌ها آماده می‌شود. اقتصاد مقاومتی اقتصادی مبتنی بر دانش، معطوف به عدالت، مبتنی بر مشارکت و حمایت مردمی است، براین‌اساس در اقتصاد مقاومتی، عدالت و مشارکت مردمی به‌نوعی با یکدیگر مرتبط هستند همین مهم در نهاد وقف نیز مورد توجه است. نهاد وقف، می‌تواند در تسریع رشد و توسعه اقتصادی مؤثر افتد. طراحی اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد که اقتصاد باید در برابر تهدیدات اقتصادی خارجی مقاومت کند. جوامعی که با یک ایدئولوژی خاص در حال تحول و تکامل هستند، استراتژی‌های جدید و اقتصاد در حال ظهور برای خود دارند که دشمنان آن‌ها تمایلی به رشد و پیروزی ندارند؛ بنابراین آن‌ها سعی می‌کنند آن اقتصاد را به‌زانو درآورند؛ اقتصاد مقاومتی می‌تواند راه‌حل رشد اقتصادی و خروج از اقتصاد وابسته به نفت باشد. یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بهره‌وری است که می‌تواند نقش مهمی در تحقق اقتصاد مقاومتی و رشد اقتصادی داشته باشد. نهادهای مختلف جامعه از جمله نهاد وقف، در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش دارند. وقف با ایجاد امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، اشتغال و ... رشد اقتصادی ایجاد می‌کند که علاوه بر کاهش هزینه‌های عمومی، وابستگی اقتصاد به نفت را کاهش می‌دهد.

پیشینه پژوهش

جهانیان، ناصر، در مقاله «جایگاه نهاد وقف در اقتصاد بخش سوم» (۱۳۹۵) بر این اعتقاد است که نهاد خیرخواه وقف به‌رغم سابقه درخشانش در تمدن قدیم اسلامی، امروزه از دید کارآمدی، سازمانی و مکتبی با چالش‌هایی روبه‌رو است؛ این در حالی است که می‌توان با بررسی بُدهای گوناگون نهاد وقف به‌طور نظام‌مند و در چارچوب دینی معتبر و مبتنی بر دلایل نقلی، عقلی، علمی و تجربی و با استفاده از اطلاعات حاصله از اقتصاد بخش سوم و اقتصاد دهش این چالش‌ها را حل کرده و راه جدیدی برای نظام اقتصادی اسلامی در کشورهای اسلامی به‌ویژه ایران گشود. خاکسار آستانه و همکاران در مقاله «آسیب‌شناسی جایگاه نهاد وقف در مقاوم‌سازی اقتصاد کشور». (۱۳۹۴) بیان کرده‌اند که وقف نهادی است که از طریق آن می‌توان بخش قابل‌توجهی از مشکلات و تنگناهای جامعه را شناخت و اموال و دارایی‌های افراد نیکوکار را داوطلبانه در جهت رفع آنها به‌کار بست. منافع حاصل از وقف و امور خیریه در دو بعد مادی و معنوی، می‌تواند در کاستن مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم و پیشرفت مادی و معنوی مؤثر باشد. عالیان، رشیدیه و رضا درخشنده در مقاله «تأثیر نقش وقف و امور خیریه در اقتصاد مقاومتی» (۱۳۹۷) بر این اعتقادند که یکی از مهم‌ترین مسائلی که امروزه باید به آن توجه داشت تأثیر نقش وقف و امور خیریه در تأمین نیازهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه می‌باشد. اینکه وقف تا چه حد می‌تواند در رفع کمبودها و شکوفایی اقتصاد کشور مفید واقع شود، نیازمند بحث و بررسی عمیق صاحب‌نظران، کارشناسان حوزه اقتصاد در سطح کلان و اعمال آن در سیاست‌ها و برنامه‌های عمرانی کشور است.

محمد عبدالله در مقاله «- Waqf, Sustainable Development Goals (SDGs) and maqa- sid al-shariah» (۲۰۱۸) تلاش می‌کند نقش بالقوه وقف (جمع، اوقاف، اعتماد همیشگی اسلامی) در جهان معاصر، به‌ویژه در عرصه توسعه، زمینه‌سازی شود. هدف این مقاله فراهم‌آوردن چارچوبی برای اوقاف برای حفظ همگرایی آن با برخی از اهداف اساسی اهداف توسعه پایدار است که با مقاصد الشریعه (اهداف عالیه شرع) نیز مطابقت دارد. مسعود احمد در مقاله «Role of Waqf in Sustainable Economic Development and Poverty Alleviation: Bangladesh Perspective» (۲۰۱۵). بر این اعتقاد است که وقف یکی از منابع نظام اقتصادی اسلامی است. منظور آن خیریه داوطلبانه است که در اسلام حضور بی‌نظیری دارد.



وجه تمایز همه این پژوهش‌ها با مقاله حاضر دیدگاه پژوهشی آن می‌باشد. در واقع نویسندگان این مقاله از منظر دیدگاه فقهی و حقوقی سعی در تبیین کارکرد نهاد وقف در توسعه اقتصاد مقاومتی دارند که در هیچ کدام از مقالات تألیف شده در این مورد به آن اشاره نشده است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

موضوع تحقیق یکی از مباحث علم حقوق و اقتصاد است باوجوداینکه این نهاد حقوقی توسط قانون‌گذار به‌عنوان شخص حقوقی شناخته شده این نظریه به‌خوبی از تمام زوایا تبیین نشده و آثار و احکام شخصیت حقوقی وقف به طور منسجم بیان نگردیده است؛ بنابراین بررسی این موضوع، حل مسائل آن و آشنایی محققان با دیدگاه‌های فقهی در مسئله و پرکردن خلأ حقوقی ناشی از نپرداختن به موضوع، همه‌وهمه ضرورت تدوین پژوهش را عیان می‌کند بنابراین نیازهای جدید در اقتصاد، سیاست و حقوق زمینه پیدایش عناوین حقوقی را به‌گونه‌ای فراهم کرده است که مفاهیم حق و تکلیف به عناوین حقوقی مانند عناوین حقیقی نسبت داده شود. اما در نوشته‌های بررسی شده این موضوع چندان شکافته نشده است، شایسته است وقف به‌عنوان شخصیت حقوقی به لحاظ فقهی و حقوقی مورد بحث واقع شود و ابعاد و زوایای آن مورد بررسی قرار بگیرد. مطالعه شخصیت حقوقی وقف افزون بر ثمر علمی، نقش عملی و کاربردی نیز دارد و تا وضعیت آن در جامعه ما روشن نشود نمی‌توان به کارآمدی وقف فکر کرد. موقوفات در طول تاریخ دچار فراز و نشیب‌های زیادی شده و بسیاری از آن‌ها در اثر سودجویی و یا بی‌توجهی برخی از دولت‌ها و مسئولان از بین رفتند. از جمله در رژیم سابق که به‌موجب قانون اصلاحات ارضی بسیاری از موقوفات از حالت وقفی خارج شد و این امر ضربه مهلکی بود که بر اعتماد عمومی مردم وارد شد. تجربه‌های تلخی که از سرگذشت وقف در ذهن مردم جای گرفته به طور کامل از ذهن آنها زوده نشده لذا باتوجه‌به اینکه تاکنون پژوهشی در زمینه بررسی فقهی حقوقی جایگاه وقف در توسعه اقتصادی کشور با تأکید بر اقتصاد مقاومتی را موردتوجه قرار نداده‌اند این پژوهش جدید بوده و دارای نوآوری می‌باشد.

۱. مفهوم اصطلاحی وقف از دیدگاه فقها و حقوق ایران

در تعبیر فقها از وقف سه تعبیر عمده دیده می‌شود:

۱- تحبیس الاصل و تسبیل المنفعه (طوسی، ۱۳۸۷: ۸۶)

۲- تحبیس الاصل و اطلاق المنفعه (حلی، ۱۴۰۸: ۲۱۱)

۳- تحبیس الاصل و تسبیل الثمره (خوئی، ۱۳۹۳: ۲۵۹)

بسیاری از تعاریف فقها از اصل سنت در ارتباط با بیان معنای اصطلاحی وقف نقل شده

است که برخی از آن‌ها را در اینجا نقل می‌کنیم.

تبیین دین فقه شافعی الامام النووی، در بیان دین فقهای شافعی وقف را چنین تعریف کرده است: وقف عبارت است از حبس مالی که انتفاع از آن با بقای عین مال ممکن باشد و تصرف در اصل مال ممنوع و مقطوع گردد و منافع رقبه (وقف) به قصد قربت هزینه می‌شود. امام سرخس، از علمای فقه حنفی وقف را این‌گونه تعریف کرده است: «حبس المملوک عن التملیک من الغیر» مراد از حبس منع است و مراد از «المملوک» آن است که واقف باید هنگام وقف مالک چیزی باشد که می‌خواهد آن را وقف کند و مراد از قید «عن التملیک من الغیر» آن است که تصرفات مالکانه در عین موقوفه مانند بیع و هبه و اجاره - جاری نخواهد بود و اضافه کردن «من الغیر» بعد از «عن التملیک» می‌تواند مفید آن باشد که عین موقوفه در تملک واقف باقی می‌ماند. آگاه باشید حنابله‌ها و شیعیان جعفری تقریباً در تعریف واقف اتفاق نظر دارند. ابن قداما مقدسی، از فقهای حنبلی در کتاب المغنی واقف را این‌گونه تعریف کرده است: «الوقف هو تحبیس الاصل و تسبیل الثمره» یعنی وقف حبس اصل و تسبیل منافع است (امینیان، ۱۳۸۶: ۳۵).

در حقوق ایران در تعریف وقف در ماده ۵۵ قانون مدنی آمده: «وقف عبارت است از این‌که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود». دکتر ناصر کاتوزیان در خصوص ماده مذکور بیان داشته‌اند: مقصود از «حبس عین» جدا ساختن ملک (فک ملک) از دارایی ملک و مصون داشتن آن از نقل و انتقال است. عین باید تاب پایداری در برابر انتفاع را داشته باشد. وقف منفعت و دین و حق امکان ندارد. حبس عین باید دائمی باشد نه موقت، هرچند که پس از مدتی هدف وقف منتفی شود. تسبیل منفعت به معنی صرف در راه خدا است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۵۷).

در ماده ۵۶ آمده است: وقف واقع می‌شود به ایجاب از طرف واقف به هر لفظی که



صراحتاً دلالت بر معنی آن کند و قبول طبقه اول از موقوف علیهم یا قائم مقام قانونی آنها در صورتی که محصور باشند مثل وقف بر اولاد و اگر موقوف علیهم غیر محصور یا وقف بر مصالح عامه باشد در این صورت قبول حاکم شرط است. از این تعاریف می‌توان برداشت نمود که مقنن، تعریف و ماهیت و شرایطی که در فقه امامیه بیان گردیده است را مورد توجه قرار داده و همان مبانی و اصول را مبنا و اساس برای وقف قرارداده است. قانون در مورد این که مقصود از حاکم کیست صحبتی به میان نیاورده. اما دکتر سید حسن امامی می‌گوید: ذکر کلمه حاکم در مورد مزبور پیروی از حقوق امامیه است و فقهای قبلی که وقف را عقد می‌دانند (امامی، ۱۳۸۴: ۷۴). دکتر محمد امینیان مدرس در خصوص واژه حاکم در ماده مذکور می‌گوید: ظاهراً منظور از واژه حاکم در ماده ۵۶ کسی است که جهت وقف متوجه اوست و بنابراین اداره اوقاف و یا نهادی که منتفع از وقف است و یا حاکم شرع می‌تواند قبولی را اعلام کند (امینیان، ۱۳۸۶: ۳۵).

۲. اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی به معنای شناسایی مناطق تحت تهدید و سپس تلاش برای کنترل و خنثی‌سازی این تأثیرات و در حالت ایده‌آل، تبدیل این تهدیدات به فرصت است. برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، کاهش وابستگی‌های خارجی و تأکید بر تولید داخلی و تلاش‌های خوداتکایی ضروری است. در شرایطی که نه صادرات و نه واردات برای آن کشور مجاز نیست و از نظر اقتصادی وابسته است و آنها تک‌محصولی هستند، پس از مواجهه با بحران‌های اقتصادی و تهدید به تحریم، جمهوری اسلامی ایران به سمت اقتصاد مقاومتی حرکت می‌کند و درصدد تقویت سیستم اقتصادی خود برآمده است. از نظر دولت ایران، هنگام تعریف اقتصاد مقاومتی، نیاز به مقاومت برای غلبه بر فشارها و غلبه بر مشکلات، دستیابی به نکات مثبت ملی ضروری است. در تعریفی دیگر، تز اقتصاد مقاومتی یا تقویت یک سیستم اقتصادی این است که در یک بنگاه اقتصادی یا در یک ساختار اقتصادی کلان مانند اقتصاد ملی یک کشور، ساختار و مدل اقتصادی طراحی، تعریف مجدد و بازسازی شود تا متغیرهای کلیدی اقتصاد بتوانند حداکثر کارایی خود را در برابر شوک‌های ناخواسته و حتی عمدی بدون ازدست‌دادن تعادل سیستم یا حداقل یک نقطه تعادل جدید برای سیستم اقتصادی با حداقل خطای حالت پایدار باز حفظ کنند

و تولید ادامه پیدا کند^۱. این روش اقتصادی از نظر تعریف با اقتصاد ریاضتی تفاوت دارد.

۳. ماهیت توسعه

نوسازی و توسعه دو مفهوم جدا از هم نیستند چراکه یکی از معانی توسعه یافتگی، مدرنیزاسیون و نوشدن است. تعاریف متعدد و گاه نسبتاً متفاوتی در تعریف این واژه آمده است، شاید یکی از دلایل آن گستردگی موضوعی و مفهومی در تعریف توسعه باشد. «اولین نکته در باب توسعه این است که این کلمه، دارای بار ارزشی بوده و تقریباً مترادف با کلمهٔ بهبود بکار می‌رود» (قدیری معصوم، ۱۳۷۹: ۲). این مفهوم در معنای "ترقی"، "تکامل" و "رشد" نیز در شکل کلاسیک به‌کاررفته است. از سوی دیگر واژه‌هایی همچون "مدرنیته"، "نوسازی" و حتی "غربی‌سازی" هم مطرح شده و به مفهوم توسعه گره خورده‌اند (موتقی، ۱۳۸۳: ۲۲۷). با این مضامین، تعریفی جامع و کامل از توسعه به‌راحتی امکان‌پذیر نیست اگرچه می‌توان باتوجه‌به مضامین فوق در شمایی کلی آن را مفهومی گسترده نام نهاد که تمامی معانی پیش‌گفته را می‌تواند در برگیرد. در چند دههٔ بعد از جنگ جهانی دوم این مفهوم بیشتر رنگ پوزیتیویستی و در واقع کمیت‌گرا را به خود گرفته بود و معمولاً اندیشمندان آن زمان تفسیری اقتصادمحور بر توسعه را ارائه می‌دادند. اما با پشت سر گذاشتن مفهوم کلاسیک توسعه که تحت تأثیر پوزیتیویسم و به معنای تأکید بر تغییرات کمی و جداکردن ابعاد مرتبطی مانند سیاست و اقتصاد از هم بود، اکنون فراتر از ادبیات کلاسیک نوسازی، توسعه به‌صورت جامع و چندبعدی در قالب توسعه سیاسی و اقتصادی و توسعهٔ انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرد و دارای معیارها، شاخص‌ها و مؤلفه‌های معینی می‌باشد (موتقی، ۱۳۸۳: ۵۴). عموماً نظریات توسعه پس از جنگ جهانی دوم گسترش یافتند چراکه رفته‌رفته کشورهای جهان‌سومی استقلال می‌گرفتند و یا در پی آن بودند؛ بنابراین باید به فکر رشد و توسعهٔ کشور خود برمی‌آمدند. می‌توان نظریات توسعه را در چند بخش تقسیم کرد: ۱. نظریه نوسازی^۲: افرادی مانند رد فیلد، اسملسر و روستو که از دید غرب به توسعه جهان سوم می‌نگریستند، یک‌روند خطی و رو به تکامل و بدون تفاوت برای کشورها را در نظر می‌گیرند که در نهایت به غرب به‌عنوان الگوی توسعه منتهی می‌شود. ۲. دیدگاه مارکسیستی توسعه: بر اساس این نظریات عامل اصلی توسعه نیافتگی عامل خارجی است. کشورهای توسعه‌یافته مرکز هستند و کشورهای درحال توسعه

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳

2. Modernization



پیرامون. وابستگی پیرامون به مرکز از نظر فرانک علت توسعه نیافتگی پیرامون است. ۳. الگوی توسعه هانتینگتون: الگوی هانتینگتون بر نهادگرایی استوار است. از نظر وی وجه مشترک همه روندهای توسعه نهادینه شدن است و معیار آن رسیدن به سطح عالی تطبیق، پیچیدگی، استقلال و پیوستگی است. ۴. نظریه‌های نخبه‌گرایی: که آن‌ها را با تفکرات پاره تو و گانتانو موسکا می‌شناسند.

نظریه نوسازی اشاره دارد به مسئله توسعه در کشورهای درحال توسعه که می‌توانند از طریق پیروسة نوسازی به توسعه‌یافتگی برسند و برای رسیدن به این مهم باید از تجربه کشورهای توسعه‌یافته استفاده بکنند. (Rostow, ۱۹۶۰). اما تئوری نوسازی در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مطالعات خود را بر حوزه‌های جدیدتری تمرکز داد: "از جمله تأکید بر هماهنگی شغلی با صنعت و نیازهایی که صنعت دارد، افزایش درآمد سرانه، بالابردن امید به زندگی، مردم‌سالارانه کردن حیات سیاسی و ... (Weinberg, ۱۹۷۶) در این سال‌ها بود که معنای توسعه و توسعه‌یافتگی هم دچار تحولاتی شد. «در همین زمان بود که توسعه پایدار^۱ در سازمان ملل مطرح شد و به دنبال کشف معمای توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم به وجود آمد». براین اساس توسعه، غیر از اقتصاد و فعالیت‌های اجتماعی، مسئله جمعیت، شیوه استفاده از منابع طبیعی و تأثیرات آن بر محیط‌زیست را اندازه می‌گرفت. در سال ۱۹۹۰ محبوب الحق^۲ شاخص "توسعه انسانی"^۳ را که بنا به تعریف خودش فرایند گسترش انتخاب را دنبال می‌کرد به صورت گزارشی در سازمان ملل بنا نهاد؛ به گمان وی هدف اساسی توسعه، گسترش دامنه انتخاب‌های افراد است در این راستا به نظر اینگلهارت و ولزل^۴، ۱- مدرنیزاسیون اقتصادی - اجتماعی، ۲- انتقال فرهنگی به سوی تأکید بر ارزش‌های ابراز وجود و ۳- دموکراتیک شدن، اجزای منحصربه‌فرد فرایند توسعه انسانی هستند که موجب گسترش دامنه انتخاب‌های افراد می‌شوند، آنان برای بررسی تغییر اجتماعی و نیز ارتباط میان سه جزء فرایند توسعه انسانی در تحقیقاتشان به بررسی دو بعد از تنوع بین فرهنگی می‌پردازند. این دو جنبه ارزش‌های بقاء / ابراز وجود و ارزش‌های سنتی / سکولار - عقلایی است که به نظر آنها قادر به توضیح تفاوت ارزش‌ها و هنجارهای ۸۵ درصد از

۱. Elitism

۲. Sustainable Development

۳. Mahbululhaq

۴. Human Development

۵. Inglehart-Welzel

جمعیت جهان است. و آمارتیا سن^۱ با تأکید بر این رویکرد در سال ۱۹۹۴ بحث "توسعه انسانی پایدار" را همراه با آناند^۲ طرح کرد؛ او بر مفهوم آزادی تأکید بسیاری دارد (Sen, ۱۹۹۸)؛ اندیشمندان اخیر، از حرکت به سمت جوامع پسا صنعتی و مدرنیزاسیون ارزش‌های انسانی و کم‌رنگ‌تر شدن ارزش‌های سنتی و لاجرم درهم‌تنیدگی سه مفهوم سیاست، اقتصاد و فرهنگ سخن می‌گویند (Anand, ۱۹۹۴) براین اساس نقش دولت، برنامه‌ها و اهدافش را در پیش‌بردن روند توسعه‌یافتگی یک کشور مهم تلقی می‌کنند. چراکه یک فضای پویای سیاسی - اقتصادی باتوجه‌به کارآمدی ساختار حاکمیتی یک کشور مورد نگرش قرار می‌گیرد.

۴. توسعه اقتصادی

در مطالعه اقتصادی بخش عمومی، توسعه اقتصادی و اجتماعی فرایندی است که در آن رفاه اقتصادی و کیفیت زندگی یک ملت، منطقه، جامعه محلی یا یک فرد باتوجه‌به اهداف و اهداف هدف بهبود می‌یابد. این اصطلاح به طور مکرر در قرن‌های ۲۰ و ۲۱ استفاده می‌شده است، اما این مفهوم برای مدت طولانی‌تری در غرب وجود داشته است. "مدرنیزاسیون"، "غربی‌سازی" و به‌ویژه "صنعتی‌سازی" اصطلاحات دیگری هستند که معمولاً هنگام بحث در مورد توسعه اقتصادی به کار می‌روند. از آنجاکه توسعه اقتصادی یک سیاست مداخله‌ای است که با هدف بهبود رفاه مردم انجام می‌شود، رشد اقتصادی پدیده بهره‌وری بازار و افزایش تولید ناخالص داخلی است. اقتصاددان آمارتیا سن^۳ رشد اقتصادی را به‌عنوان "یکی از جنبه‌های روند توسعه اقتصادی" توصیف می‌کند. اقتصاددانان در درجه اول بر جنبه رشد و اقتصاد به‌طورکلی تمرکز می‌کنند، درحالی‌که محققان توسعه اقتصادی جامعه خود را به توسعه اقتصادی - اجتماعی نیز می‌پردازند.

۵. جایگاه وقف در اقتصاد مقاومتی

در دوره عثمانی، توسعه و ساخت تأسیسات عمومی با سخاوتمندانه مورد حمایت مردم چاه برای انجام مسلمانان به‌ویژه دولتمردان و افراد ثروتمند بود که در سایر سیستم‌های معاصر مسئولیت دولت تنها بود. تقریباً تمام خدمات دولتی، دینی، اجتماعی، علمی

۱. Amartya sen

۲. Anand

۳. Amartya Sen



و نیازمندی‌های زندگی مدرن توسط تأسیسات وقف هیچ هزینه‌ای برای دولت تأمین و مدیریت نمی‌شد (Saduman & Aysun, ۲۰۰۹: ۲۷۳-۲۷۴). حتی تا قرن بیستم، طیف قابل‌توجهی از خدمات عمومی یا شهری در بسیاری از جوامع مسلمان تقریباً منحصراً توسط واقف تأسیس، تأمین و نگهداری می‌شدند به‌علاوه، تاباکوگلو^۱ نشان داد که سهم درآمد وقف از کل درآمد عمومی در عثمانی حدود ۱۲ درصد در قرن شانزدهم بوده است. تعداد قابل‌توجهی وقف‌ها و همچنین احتمالاً افزایش ۲۵ درصدی همراه با افزایش مالکیت خصوصی و مشروبات الکلی در قرن هجدهم قابل‌توجه بود.

خداوند در آیات قرآن از جمله آیه ۵۷ سوره آل عمران بیان می‌کند که با ایمان و عمل صالح می‌توان مستحق فضل الهی شد و در آیه ۴۶ سوره کهف از مردمان می‌خواهد تا به‌جای اندوختن مال و فرزندان که زینت‌های زندگی دنیوی است به فکر آخرت خودشان باشند و باقیات صالحات به جا گذارند که همان اعمال صالح ماندگار است که از جمله آن‌ها نماز و روزه، ساخت مساجد، مدارس و موقوفات و خیرات دیگری است که انسان در راه خدا انجام می‌دهد.

پس کسی که مالی را وقف می‌کند در حقیقت برای خودش باقیات صالحات به جا می‌گذارد. این‌گونه هم خودش از زندگی مناسب دنیوی و سپس از آثار و برکات اخروی آن در قیامت بهره‌مند می‌شود و هم دیگران از موقوفه بهره می‌برند. شیخ حر عاملی در صفحه ۲۹۲ از مجلد ۱۳ وسایل شیعیه آورده امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس از این جهان درگذرد، پس از مرگ، چیزی به او نمی‌رسد جز آنکه پیش‌تر سه چیز از خود باقی گذاشته باشد: ۱. کار نیکی که اثرش پس از او باقی باشد؛ ۲. سنت حسنه‌ای که در میان مردم رواج داده باشد و بعد از او مردم به آن روش عمل کنند؛ ۳. فرزند صالحی که برای او دعا کند.

آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: شش چیز است که شخص مؤمن پس از مرگش از آن بهره‌مند خواهد شد: ۱. فرزند صالحی که برای او طلب آمرزش کند؛ ۲. قرآنی که از او باشد و مورد استفاده قرار گیرد؛ ۳. درختی که می‌نشانند؛ ۴. چاه آبی که احداث می‌نماید؛ ۵. چشمه آبی که در راه خدا جاری می‌کند؛ ۶. سنت و روش نیکی که پس از او مردم به آن عمل می‌کنند. (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۹۹).

خداوند هم چنین در آیه ۲ سوره مائده از مردم می‌خواهد تا در کارهای نیک و خیر

مشارکت و تعاون داشته باشند و شکی نیست که صدقات در قالب موقوفات به سبب استمرارش از مصادیق بارز معاونت در کارهای خیر و نیک است.

اما اینکه چگونه وقف در اقتصاد مقاومتی می‌تواند نقش ایفا کند باید گفت که وقتی اموالی در قالب موقوفات در اختیار جامعه مسلمین قرار می‌گیرد، این فرصت به عموم مردم داده می‌شود تا از آن بهره‌مند شوند و به شکلی هزینه‌های عمومی مردم کاهش می‌یابد. همین کاهش هزینه‌ها، موجب افزایش ثروت و سرمایه‌گذاری مردم و دولت در بخش‌های دیگر می‌شود و فرصت تولید و کارهای دیگر را فراهم می‌آورد.

در نظر بگیرید که جامعه، نیازمند یک مکان آموزشی باشد. در اینجا شخصی قسمتی از ثروت خود از ملک یا مال را در اختیار این بخش قرار می‌دهد و این‌گونه هزینه‌های عمومی نهادهای دولتی کاهش می‌یابد و در جایی دیگر سرمایه‌گذاری می‌شود. این موجب می‌شود که کار دیگری با همین بودجه ایجاد شود و شغل و تولیدی صورت گیرد. در اینجا همه مردم به شکلی از این سرمایه‌گذاری دولت در بخش دیگر نیز سود می‌برند. به سخن دیگر، با یک کار خیرخواهانه وقفی، هم بخشی از نیازهای جامعه برآورده می‌شود و هم بودجه و اعتبار، در کار دیگری هزینه شده و زمینه برای کارهای عظیم‌تر و بزرگ‌تر فراهم می‌گردد.

موقوفات عام‌المنفعه به سبب اینکه عین مال همواره در اختیار جامعه است، باعث کاهش شدید هزینه‌های عمومی و افزایش رفاه و ثروت جامعه می‌شود. برآوردهای علمی نشان می‌دهد که در برخی از کشورهای اروپایی به‌ویژه آلمان بخش عمده هزینه‌های آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی از طریق موقوفات تأمین می‌شود و دولت آلمان از ظرفیت وقف برای افزایش رفاه و تولید ملی و رفاه ملت خود سود می‌برد.

کسانی که اموالی را وقف می‌کنند به جامعه این امکان را می‌دهند که بر ثروت و قدرت خود تکیه کند و نیازمند بیرون نباشد؛ زیرا هر جامعه‌ای وقتی نیازهایش را خود برطرف کند و نیازمند بیرون نباشد، دیگر نیازی نیست که ثروت و قدرت را از بیرون وارد کند و دچار وابستگی شود. هر جامعه‌ای، با قناعت و صرفه‌جویی و بهره‌مندی از امکانات ملی خود می‌تواند قوام پیدا کند و بر روی پای خود بماند. وقتی ثروتمندان بخشی از ثروت خود را وقف کارهای عام‌المنفعه می‌کنند با چنین عملی در کارهای خیر معاونت کرده و دولت را از بار سنگینی‌ها بخشیده و هزینه‌های آن را کاهش می‌دهند. در چنین حالتی دولت می‌تواند درآمدهای ملی را در جایی دیگر هزینه کرده و در مقابل تحریم‌ها



و فشارهای اقتصادی تاب بیاورد و از فشار سنگین آن خود را برهاند.

با بررسی اسناد اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار مشابهت‌های بسیار و همچنین تفاوت‌های اندک لیکن با ارزشی به دست می‌آید که مهم‌ترین آنها فرهنگ معنوی و بومی و لزوم ارتباط آنان با مؤلفه اقتصاد است که این ارتباط در سند توسعه پایدار مشاهده نمی‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و افزایش فشارهای اقتصادی بین‌المللی، طی چهار دهه، رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۲۰۱۰ مفهومی را در ادبیات اقتصادی با عنوان مقاومت در برابر اقتصاد ایجاد کردند که در آن پیشرفت اقتصادی و خروج از اقتصاد است. بحران‌های بین‌المللی به اجرای سیاست‌ها و شاخص‌های کلی اقتصاد مقاومتی بستگی دارد. در همین راستا، مجامع بین‌المللی و در رأس آن، سازمان ملل متحد، از زمان تأسیس تاکنون، به‌منظور کاهش فقر و پیشرفت در کشورهای توسعه‌نیافته یا درحال توسعه در سطح بین‌المللی، مفهومی به نام توسعه پایدار ایجاد کرده و اسناد مختلفی را در این زمینه تصویب کرده است، آخرین آن سند ۲۰۱۵ سازمان ملل در مورد توسعه پایدار و اهداف هفده‌گانه آن است. به نظر می‌رسد که بین اهداف سند توسعه و اهداف اقتصاد مقاومتی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد (شیروی و خدایرست، ۱۳۹۸: ۲۴۹-۲۷۰). مهم‌ترین تفاوت این دو سند را می‌توان در ایدئولوژی و فرهنگ متفاوت در هر دو دید. یکی از این موضوعات همانا عدم بررسی وقف در سند توسعه پایدار اسناد بین‌المللی است که در این پایان‌نامه بدان اشاره کردیم. این در حالی است که اساساً وقف بخشی از درآمد یا هزینه دولت نیست، بلکه خیریه‌ای است که به طور داوطلبانه توسط افراد متمکن مسلمان در جامعه برای تأمین منافع عمومی و ارتقا سطح رفاه آنها ارائه می‌شود. دولت با تأمین اعتبار از طریق وقف می‌تواند مقدار زیادی از بودجه و هزینه خود را که در ابتدا برای منافع عمومی برنامه‌ریزی شده بود پس‌انداز کند. این بودجه می‌تواند به طور مؤثر به سایر فعالیت‌های مهم توسعه هدایت شود. از این نظر است که نهاد وقف می‌تواند جایگزین بار و مسئولیت دولت شود و از مشارکت آن در اقتصاد بکاهد. هرچه صندوق وقف برای برخی از پروژه‌های توسعه‌ای مفید برای جامعه جمع‌آوری شود، سهم دولت برای این پروژه‌های خاص کمتر خواهد بود این رویه در راستای اقتصاد مقاومتی می‌تواند قرار بگیرد. (Baskan, ۲۰۰۲: ۱۳).

وقف می‌تواند مشارکت دولت در اقتصاد را با نسبت و چشم‌انداز مناسب قرار دهد. در اقتصاد جهانی شده فعلی، باید بخش خصوصی بیشتری برای مشارکت فعال در توسعه

اقتصادی در اختیار اقتصاد خصوصی قرار گیرد زیرا اقتصاد کارا محور می‌تواند به طور معمول توسط این بخش خصوصی تحت فشار قرار گیرد. اقتصاد نوآوری و خلاقیت زمانی قابل پرورش است که بخش خصوصی فرصت‌های زیادی برای مانور داشته باشد. به‌طور کلی، مشارکت گسترده دولت در اقتصاد مانع پیشرفت بخش خصوصی خواهد شد. با بزرگ‌تر شدن بوروکراسی دولتی، تمایل بیشتری برای تمرکز اقتصاد وجود دارد.

اساساً با تعهد جامعه فعال به الزامات اقتصادی اجتماعی می‌توان از استقراض دولت از طریق تأمین بودجه جلوگیری کرد. بودجه کسری به طور معمول تأثیرات مالی بدی بر دولت دارد. در شرایط بی‌ثبات اقتصادی جهان، بخش عمومی باید از وام‌های عمومی خود بکاهد تا از به‌روز بحران‌های احتمالی در آینده جلوگیری کند. بحران‌های مالی قبلی که کشورهای آسیای شرقی را تحت تأثیر قرار داده بود، درسی ارزشمند به دست آورد که وام‌های عظیم دولتی و خصوصی، به‌ویژه از منابع خارجی، تأثیرات منفی بیش از حد بر منطقه ایجاد کرد.

به‌عبارت‌دیگر، احیای مجدد و احیای مجدد سیستم وقف باید به‌عنوان یک گام حیاتی در مبارزه برای ازبین‌بردن ربا در نظر گرفته شود. براین‌اساس، حذف تدریجی یا کاهش بهره از طریق سیستم وقف باید موردتوجه قرار گیرد. وقف می‌تواند این کمک‌ها را با کمک‌های داوطلبانه انجام شده توسط مردم انجام دهد؛ بنابراین، سرمایه انباشته خصوصی ممکن است داوطلبانه تأمین مالی شود و خدمات اجتماعی را به جامعه توسعه دهد بدون اینکه در تأمین بودجه کسری گرفتار شود.

نهاد وقف نیز برای دستیابی به توزیع عادلانه ثروت و درآمد در اقتصاد نقش مهمی دارد. به نظر می‌رسد که وقف از طریق کمک‌های داوطلبانه ثروتمندان برای اهداف عمومی می‌تواند تأثیر مثبتی در توزیع مجدد ثروت داشته باشد. این نوع رویکرد داوطلبانه نتیجه بسیار بهتری نسبت به توزیع مجدد از طریق مالیات و هزینه‌های انتقال دولت دارد زیرا ابزار مالیات برای اجرای آن هزینه‌های بیشتری دارد. به دلیل عدم تنظیم صحیح مالیات، هزینه‌های جمع‌آوری مالیات ممکن است بارهای غیرضروری را برای دولت ایجاد کند. به همین ترتیب، در انتقال هزینه‌های دولت، هزینه زیادی را شامل می‌شود. برعکس، به‌صورت وقف، هزینه‌های جمع‌آوری بسیار ارزان خواهد بود و در بیشتر موارد حتی به‌هیچ‌وجه هزینه‌ای ندارد.

در یک و نیم‌قرن اخیر، اقتصاددانان سیاسی توافق کردند که دولت کارآمدترین راه‌حل



برای غلبه بر مشکلات نابرابری است. باین حال، باسکان (۲۰۰۲) نشان داد که راه حل در جهان اسلام در طول تاریخ "همکاری فردی - دولتی" بوده است. مشاهده شد که محصول این همکاری یک سیستم وقف بوده است (Baskan, ۲۰۰۲: ۱۸-۱۹). در این فرایند، مالیات به طور قطعی یک نقش ثانویه دارد. پیامدهای دیگری نیز وجود دارد: بار مالیاتی کمتر به معنای افزایش مازاد مصرف کنندگان و تولیدکنندگان و کاهش "هزینه سنگین مالیات" است. در نتیجه، پایین آمدن مالیات تأثیر مثبتی بر تولید کل خواهد داشت و درعین حال هزینه‌ها را کاهش می‌دهد؛ بنابراین، قیمت‌ها برای مصرف کنندگان کاهش می‌یابد و از رشد تورمی جلوگیری می‌کند

تعالیم اسلامی به افراد بسیار توصیه می‌کند که به فقیران صدقه دهند یا از طریق مکانیزم وقف، علاوه بر زکات، برای منافع عموم مردم هزینه کنند. از طریق چنین مکانیزمی داوطلبانه، افراد به مقامات کمک می‌کنند تا وضعیت جامعه را بهبود بخشند. از آنجاکه وقف ساخته شده توسط افراد ثروتمند به طور کلی منافع جامعه و فقرا را به طور خاص فراهم می‌کند، این ویژگی در کاهش اثرات نابرابری درآمد و ثروت نقش دارد. متفاوت از تأثیر کوتاه مدت سیاست‌های بودجه‌ای دولت، نهاد وقف می‌تواند گرایش به تمرکز ثروت در جامعه را از بین ببرد.

فقر و نابرابری درآمد همیشه از مهم‌ترین و مهم‌ترین مشکلاتی است که جوامع با آن روبرو هستند. روش‌هایی برای رسیدگی به مشکلات فقر وجود دارد، از اقدامات پیشگیرانه تا اقدامات درمانی. یک راه مهم برای کاهش فقر که توسط اسلام در نظر گرفته شده است، خیریه است که نقشی را ایفا کرده و می‌تواند به عنوان یک وسیله مؤثر برای غلبه بر این مشکلات حاد باشد. خیرات اشکال مختلفی دارد اما نوع صدقه طولانی مدت آن است که دارای ویژگی ماندگاری باشد. نهاد وقف چنین خیریه همیشگی در نظام اسلامی است. قلب اصلی قرآن در این زمینه این مفهوم است که مال باید در بین تمام اجزای جامعه پخش شود (سوره حشر: ۷) و همچنین باید از طریق خیرات پاک شود (سوره توبه: ۱۰۳). این مؤسسه خیریه سپس به دو قسمت تقسیم می‌شود: (۱) صدقه داوطلبانه به نام صدقه، از جمله وقف (وقف تقوی) و (۲) صدقه غیرارادی به نام زکات. (Bonner, ۲۰۰۵) از طریق وقف می‌توان دارایی‌های بلندمدت را که باعث ایجاد درآمد می‌شوند، ایجاد و حفظ کرد. این دارایی‌ها به وضوح به روند تولید و ایجاد ثروت کمک می‌کنند. وقف می‌تواند با هدفگیری ویژه فقرا به عنوان دریافت کنندگان عمده مزایای آن، نقش مهمی

در کاهش فقر داشته باشد. وقف همچنین به منظور انتشار دانش و مهارت‌های مربیگری در توسعه کارآفرینی در بین فقرا تشکیل شده است زیرا تأمین مالی خرد به‌تنهایی نمی‌تواند ثروت ایجاد کند مگر اینکه با مهارت‌های کارآفرینی ترکیب شود. در واقع همه برنامه‌های کمک فنی از جمله فقرزدایی می‌توانند به‌عنوان وقف سازماندهی شوند.

نقش رفاه اجتماعی مؤسسات وقف به نوع و اندازه آنها بستگی خواهد داشت. وقف را می‌توان به دودسته اصلی تقسیم کرد. طبقه‌بندی اول بر اساس ناحیه / حوزه وقف است که به‌عنوان (۱) مذهبی و (۲) انسان‌دوستانه متمایز می‌شود. اولی مکان‌های مذهبی مانند مساجد، گورستان‌ها، امامزاده‌ها / مقبره‌ها و غیره خواهد بود و دومی دارایی‌ها / املاکی است که برای مناطق غیرمذهبی / قلمرو مانند مدرسه، بیمارستان، پل، جاده و غیره داده می‌شود. طبقه‌بندی دوم بر اساس نوع ذی‌نفعان که می‌تواند (۱) اعضای خانواده یا (۲) جامعه عمومی باشد. این طبقه‌بندی‌ها در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۱ طبقه بندی ها

| بشردوستانه ^۱ | مذهبی ^۲ | ذی‌نفعان ^۳ |
|-------------------------|--------------------|-----------------------|
| B | A | خانواده |
| D | C | عمومی |

از منظر کاهش فقر، وقف نوع B، A و C مهم نیستند. وقف نوع A معمول نیست زیرا اعضای خانواده معمولاً نمی‌توانند تنها ذی‌نفع وقف مذهبی باشند. نوع B و C از نظر اقتصادی نمی‌تواند به سود فقرا باشد، زیرا اولی برای اعضای خانواده است و دومی عبادتگاه است. فقط وقف نوع D برای رفع فقر مربوط است. درآمد حاصل از وقف انسان‌دوستانه برای عموم مردم می‌تواند به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به فقرا خدمات ارائه دهد

علاوه بر این، بخش مالی اسلامی نیز باید نقش خود را برای از بین بردن فقر بازی کند. به گفته احمد (۲۰۰۷)، تأمین بودجه فقرا واقعاً استفاده واقعی از نقش اجتماعی بخش مالی اسلامی و همچنین ویژگی منحصر به فرد آن است که باید حتی بیشتر ارتقا یابد. از این منظر، بسیاری از محققان ایجاد مؤسسات واسطه‌ای را برای کمک به رشد شرکت‌های

- 1 Philanthropic
- 2 Religious
- 3 Philanthropic



کوچک و متوسط مبتنی بر زکات، وقف و صدقه پیشنهاد می‌کنند. این بازده حاصل از وقف و صدقه تولیدی است که می‌تواند برای تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی متوسط و کوچک مسلمان تولید شود (Ahmed, ۲۰۰۴)

به‌طور کلی، ویژگی‌های وقف به‌خوبی مدیریت شده باعث پیشرفت اقتصادی در کشور می‌شود. نیک حسن^۱ (۲۰۰۸) یادآوری کرد که درگذشته، به‌ویژه در دوران امپراتوری عثمانی، تأیید شده بود که وقف و اقتصاد در جهت مثبت بسیار متصل هستند. هم‌زمان با شکوفایی نهاد وقف، اقتصاد کشور نیز در حال پیشرفت بود. هرچه اندازه املاک وقف بزرگ‌تر باشد، درگیری بخش خصوصی بزرگ‌تر و پیشرفت اقتصادی بیشتر است. بین مشارکت فعال بخش خصوصی در اقتصاد با پیشرفت اقتصادی ملی رابطه مثبت وجود دارد. جالب‌تر اینکه، از آنجاکه وقف کالاهای عمومی را تأمین می‌کند و بنابراین نیازهای جامعه را به‌اندازه کافی برآورده می‌کند، مشکل کمبود کالاهای عمومی را حل می‌کند که اغلب در اقتصادهای معمولی مشاهده می‌شود. باتوجه‌به مشارکت گسترده بخش خصوصی، تأمین وقف برای اهداف عمومی بسیار فراوان است و حتی ایجاد بیش از حد کالاهای عمومی به‌جای کمبود آنها در اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی می‌تواند شود. چه اینکه وقف به‌عنوان بخشی از هزینه در راه خدا همچنین گردش مالی را در جامعه تحریک می‌کند که توسط قرآن کریم پیش‌بینی شده است (حشر: ۵۹) (۷). انگیزه انجام وقف از جانب پیامبر و پادشاه‌های مادام‌العمر و زندگی پس از مرگ، مسلمانان را به انجام این خیرات نجیب ترغیب کرده است. این اقدام می‌تواند به‌طور مؤثر از احتکار و ثروت بیکار در اقتصاد جلوگیری کند و آن را به گردش و تولید ادامه دهد که در نهایت منجر به پیشرفت اقتصادی شود.

بسیاری از کشورهای مسلمان با پی‌بردن به نقش مهم وقف در توسعه اجتماعی و اقتصادی، توجه ویژه‌ای به توسعه خواص وقف و احیای مجدد عملکردها و توانایی آنها در ارائه خدمات مهمی که درگذشته ارائه می‌دادند، داده‌اند. دارایی‌های موجود وقف در بیشتر کشورهای اسلامی نشان‌دهنده مقدار زیادی ثروت اجتماعی است که می‌تواند برای تولید بسیاری از خدمات اجتماعی به‌ویژه با افزایش ارزش سرمایه آنها در نتیجه تغییرات اقتصادی و جمعیتی ایجاد شود. با این وجود، پیش‌شرط‌های متعددی وجود دارد که اگر وقف قصد دارد نقش مهمی را در توسعه اقتصاد مسلمانان بازی کند، باید برآورده شود.

در زیر برخی از پیش‌نیازهایی که دانشمندان مسلمان مطرح کرده‌اند آورده شده است که می‌تواند در زمینه اقتصاد مقاومتی نیز درست باشد:

اولاً، صدور چارچوب قانونی جدیدی که تعریف واضحی از واقف ارائه می‌دهد، عملکرد و اهداف آن را مشخص می‌کند، این نهاد را به طور مؤثر سازماندهی می‌کند و نقش‌های اجتماعی و اقتصادی آن را تنظیم می‌کند. علاوه بر این، چنین چارچوبی قانونی باید حمایت قانونی لازم را از املاک وقفی داشته باشد و حاکم بر بازپس‌گیری کلیه املاک وقفی باشد که به سایر اشخاص دولتی و / یا خصوصی منتقل شده است و همچنین بررسی سوابق قدیمی وقف به منظور استفاده مجدد از آنها حق وقف را در بسیاری از املاک از دست‌رفته باید ایجاد شود.

ثانیاً، تجدیدنظر در مدیریت وقف، به‌ویژه نوع سرمایه‌گذاری آن در وقف و ارائه پشتیبانی فنی، مدیریتی و مالی از مدیریت وقف برای کمک به آن در افزایش بهره‌وری از ویژگی‌های وقف. این کار به منظور تحقق دو هدف انجام می‌شود: (۱) افزایش کارایی و بهره‌وری از ویژگی‌های وقف و (۲) برای به حداقل رساندن پتانسیل اقدامات غیرصادقانه و فساد توسط مدیران وقف (ناظران). همچنین نیاز به ارائه شیوه جدید مدیریتی متناسب با نهاد وقف و ارائه بررسی و تعادل کافی در مدیریت وقف وجود دارد.

ثالثاً، تجدیدنظر در مفهوم کلاسیک فقه در مورد وقف به منظور جای دادن بسیاری از اشکال جدید وقف بالقوه خصوصاً در حوزه وقف حق انتفاع و وقف از خواص غیرفیزیکی (خواص انتزاعی). به همین ترتیب، مفهوم وقف موقت نیز باید گسترش یابد. از آنجاکه وقف بر اساس قوانین اجتهادی استوار است، باید خلاقیت بیشتری در توسعه بیشتر آن اعمال شود (Karim, 2012).

چهارم، تعریف مجدد نقش وزارتخانه‌های وقف با ساختن آنها به‌عنوان عوامل پشتیبانی و کاتالیزورهای کمک در توسعه واقف به‌جای مدیران دولتی خواص وقف. پنجم، ساختن یک طرح جامع در هر کشور مسلمان به منظور فعال‌سازی مجدد املاک وقف به‌گونه‌ای که منافع و خدمات آنها را به حداکثر برساند.

ششم، شناختن اهمیت و ضرورت وقف خانواده و نقش آن در رشد اقتصادی و بازگرداندن احکام محافظت‌کننده و وقف خانوادگی را به طور خاص سازماندهی کرده و به‌طورکلی ایده استقرار وقف جدید را ترویج داده شود.

علاوه بر این، احمد (۲۰۰۴) همچنین ایده‌هایی برای توسعه بیشتر نهاد وقف در زمانه



فعلی دارد. اولاً، گسترش نهاد وقف صرفاً برای اهداف مذهبی به سمت اهداف عمومی (که در جدول بالا آوردیم). تجربیات کشورهای مسلمان نشان داده است که اکثر بنیادهای قانونی ماهیت مذهبی دارند (مساجد، گورستان‌ها و زیارتگاه‌ها) و بنابراین کمک چندانی به رفاه فقرا نمی‌کنند. به نظر می‌رسد که مردم بیشتر از زکات به‌عنوان وسیله‌ای برای مقابله با مشکل فقر آگاهی دارند.

ثانیاً، افزایش کیفیت و کمیت مؤسسات وقف و سرمایه‌گذاری در خواص وقف توسعه‌نیافته. طبق گفته کریم (۲۰۱۲)، از روش‌های مختلف مالی اسلامی معاصر می‌توان برای این منظور استفاده کرد مانند صکوک بر اساس مشارکه، اجاره و... اعتماد سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات.

پس از برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری در دارایی‌های وقف، برخی از موارد شرعی و تصمیم‌گیری پیرامون این موارد باید رعایت شود مانند (۱) وقف دائمی در مقابل وقف موقت. (۲) دارایی‌های منقول و غیرمنقول؛ (۳) استهلاک یا افزایش سرمایه (۴) ضمانت سرمایه (۵) مشخصات ریسک و بازده سرمایه‌گذاری؛ (۶) انباشت درآمد در برابر افزایش سرمایه؛ (۷) پتانسیل درآمد منفی؛ و (۸) استبداد و فروش دارایی‌های واقف (Karim, ۲۰۱۲). ثالثاً، افزایش مقدار وقف با تأسیس نهادهای جدید. در کشورهای مسلمان مشاهده شده است که نهادهای جدید وقفی تأسیس نمی‌شوند. یک دلیل محدودیت مؤسسات جدید وقف ممکن است ناشی از تصور این باشد که وقف باید به‌صورت زمین و املاک و مستغلات باشد که به مقدار زیادی پول نیاز دارد. امروزه فقط افراد بسیار ثروتمند قادر به ایجاد وقف‌های جدید هستند؛ بنابراین، برای افزایش تعداد دارایی‌های وقف، قوانین و مقررات و همچنین مفهوم فقهی وقف باید براین اساس تجدیدنظر شود تا ایجاد و توسعه نهادهای جدید وقف در زمان کنونی تسهیل شود.

سرانجام، اهمیت بررسی جامع خواص وقف را برای افزایش اثربخشی مدیریت وقف برجسته است. این مهم ممکن است شامل چنین اطلاعاتی در مورد تعداد دقیق، ماهیت، ارزش، درآمد، اشیا، ساختار اداری و سایر جزئیات خواص وقف باشد.

نتیجه گیری

پایداری در اموال وقف بیشتر مربوط به تلاش برای حفظ ارزش اموال از طریق تولید مداوم مزایای وقف است. این مزایا نه تنها به خاطر رفاه است، بلکه در عین حال بودجه‌ای را برای بهبود املاک وقفی موجود و همچنین گسترش بیشتر اموال وقفی ایجاد می‌کند. بر این اساس وقف در راستای اقتصاد مقاومتی می‌تواند کارساز باشد و اگر برخی پیش‌نیازهای مربوط به چارچوب قانونی، مفهوم فقه وقف، مدیریت و برنامه‌ریزی به طور جامع بهبود یابد، می‌توان در زمان مدرن به موفقیت دست یافت. علاوه بر این، ایجاد املاک وقفی باعث درآمدزایی، گسترش وقف به سمت اهداف اقتصادی - اجتماعی و ایجاد مؤسسات جدید وقف نیز راهکارهای مهم و راهبردی در زمینه اقتصاد مقاومتی است. بنابر آنچه در این مقاله مورد پژوهش قرار گرفت پیشنهادات زیر قابل تأمل خواهد بود

۱. باتوجه به جنبه مدیریت، اداره و حکمرانی وقف در دوران معاصر، بسیاری از محققان نیز اهمیت مدیریت حرفه‌ای و اداره شفاف وقف را برای نتایج مؤثر برجسته می‌کنند؛ لذا پیشنهاد می‌شود محققان داخلی در این زمینه فعالیت بیشتری داشته باشند.

۲. تلفیق وقف با دارایی‌های معاصر مانند پول نقد و سهام، انعطاف‌پذیری را افزایش می‌دهد و مشارکت را گسترش می‌دهد. پیشنهاد می‌شود دستگاه‌های دولتی در این زمینه اقدام کنند.

۳. در کشورهای در حال توسعه، توده‌های مردم فقیر به دلیل کسادی سمت عرضه یا در دسترس نبودن خدمات حمایتی، به خدمات مالی دسترسی ندارند. پیشنهاد می‌شود صداوسیما در تبلیغ وقف فعالیت بیشتری داشته باشد.

۴. برخی از توصیه‌ها برای افزایش کارایی نهاد وقف در کاربردهای معاصر در زیر ذکر شده است:

تأمین کمک‌های خیرخواهانه به صورت آنلاین در وقف نقدی می‌تواند کارآمدتر باشد و مشارکت بیشتری را به‌ویژه در موارد اضطراری به همراه داشته باشد.

همچنین می‌تواند به سرمایه‌گذاری در هزینه‌های همدلانه تکنانشی کوتاه‌مدت در موارد خاص و رویدادها کمک کند.

۵. ارائه مشوق‌های مالیاتی برای مشارکت بیشتر افراد و شرکت‌های بزرگ در ایجاد اوقاف مهم است.



ایجاد آگاهی اجتماعی برای ایجاد نوع مناسب وقف در مکان مناسب مهم است. به‌عنوان مثال، در بسیاری از کشورهای مسلمان، فقط مساجد به‌عنوان وقف و غالباً بسیار نزدیک به یکدیگر ساخته می‌شوند، درحالی‌که اکثر مسلمانان اغلب با کمبود خدمات پزشکی و آموزشی اساسی روبرو هستند.

کتابنامه

- امامی، حسن (۱۳۸۴) *حقوق مدنی*، تهران: انتشارات اسلامی.
- امینیان مدرس، محمد (۱۳۸۶). *وقف از دیدگاه حقوق و قوانین*، تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- جهانیان، ناصر (۱۳۹۵). «جایگاه نهاد وقف در اقتصاد بخش سوم»، *مجله اقتصاد اسلامی*، سال شانزدهم شماره ۶۲، تابستان ۱۳۹۵.
- حر عاملی (۱۴۱۴). *وسائل الشیعه*، قم: آل البیت.
- حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خاکسار آستانه، حمیده؛ علی رهنما و حسن ابراهیمی، (۱۳۹۴)، «آسیب‌شناسی جایگاه نهاد وقف در مقاوم‌سازی اقتصاد کشور»، *اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی دانش‌بنیان*، تفرش: دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرفسور حسابی تفرش.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). *منهاج الصالحین، العبادات والمعاملات*، تهران: مکتبه اللطفی.
- شیروی، عبدالحسین، خدایپرست، ناصر. (۱۳۹۸). «اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار در اسناد بین‌المللی». *فصل‌نامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، شماره ۴۹.
- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران: المکتب المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- عالیان، رشدیه، و درخشنده، رضا (۱۳۹۷). «تأثیر نقش وقف و امور خیریه در اقتصاد مقاومتی». *کنفرانس علمی پژوهشی دستاوردهای نوین در مطالعات علوم مدیریت، حسابداری و اقتصاد ایران*.
- قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۷۹). «سیری در مفاهیم و ابعاد مختلف توسعه»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، زمستان ۱۳۷۹.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، تهران: نشر میزان.
- موثقی، سید احمد (۱۳۸۳). «توسعه؛ سیر تحول مفهومی و نظری»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۳.
-
- Abdullah, M. (2018), "Waqf, Sustainable Development Goals (SDGs) and maqasid al-shariah", *International Journal of Social Economics*, Vol. 45 No. 1, pp. 158-172.
- Ahmed, H. (2007). Waqf-based microfinance: Realizing the social role of Islamic finance. Paper presented at the International Seminar on Integrating Awqaf in the Islamic Financial Sector, Singapore, March 6-7. Alhabshi, S. O. 1991.
- Anand, Sudhir, Sen, Amartya (1994). *Sustainable Human Development: Concepts and Priorities*. UNDP.



- Baskan, B. (2002). *Waqf system as a redistribution mechanism in Ottoman Empire*. Northwestern University, Department of Political Science.
- Bonner, M. (2005). «Poverty and economics in the Qur'an». *Journal of Interdisciplinary History*, Vol. 35(3), 391–406
- Karim, S. A. (2012). *Contemporary investment and development of waqf assets in Singapore*. Paper presented at International Islamic Capital Market Forum, Kuala Lumpur, Malaysia, September
- Masoud Ahmad (2015) *Role of Waqf in Sustainable Economic Development and Poverty Alleviation*. Bangladesh Perspective, 42 J.L. Pol'y & Globalization 118
- Rostow, W.W. (1960). *The Stages of Economic Growth: A Comparative Manifesto*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Saduman, S & Aysun, E.E. (2009). «The socio-economic role of waqf system in the Muslim Ottoman cities' formation and evolution». *Trakia Journal of Sciences*, Vol. 7(2), 272-275.
- Sen, Amartya (1998). *Human Development and Financial Conservatism*. World Development, Vol. 26, No.
- Weinberg, Ian (1976) „The problem of convergence of industrial societies: a critical look at the state of a theory”, in: Black, Cyril E. (ed) *Comparative Modernization*. New York: Free press.